

اصل شخصی بودن مجازات چیست و چرا همه اعضای جامعه باید به اجرای آن پایبند باشند؟

الف: تمایز بین شکنجه و مجازات

برای فهم اصل شخصی بودن مجازات، ابتدا باید تفاوت میان شکنجه و مجازات را روشن کرد. شکنجه به معنای وارد آوردن عمدی رنج جسمی یا روانی به فرد با اهدافی نظیر وادار کردن او به اعتراف، سرکوب فعالیت‌های سیاسی یا اجتماعی، یا ارباب برای جلوگیری از دادخواهی است. در مقابل، مجازات اقدامی قانونی و هدفمند است که با دو ویژگی اصلی تعریف می‌شود: بازدارندگی از وقوع یا تکرار جرم و اصلاح و بازپروری مجرم.

مجازات، ضمن حفظ کرامت انسانی، نباید حتی به فرد محکوم آسیب جسمی یا روانی وارد کند، بدیهی است که خانواده و به ویژه فرزندان محکوم نیز نباید آسیب ببینند. بر این اساس، هر اقدامی که به جای اصلاح، به تخریب جسمی یا روانی فرد منجر شود، نه مجازات، بلکه شکنجه محسوب می‌شود.

البته که اصل شخصی بودن مجازات با قوانین دینی نه تنها تضادی ندارد، بلکه بر آن تأکید هم شده است:

قاعده وزر یکی از قواعد فقهی استنتاجی است که می توان مفهوم آن را با اصل شخصی بودن مجازات ها در حقوق جزای عرفی منطبق دانست. از جمله آیه هایی که زیر بنای این قاعده را تشکیل می دهند آیه «ولاتزر وازره وزر آخری» است به این مفهوم که «هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد». بر اساس اصل شخصی بودن مجازات ها تنها کسی را می توان تعقیب و مجازات کرد که مرتکب قتل مادی جرم شده باشد یا در تحقق اعمال مجرمانه همکاری کرده باشد و بستگان و نزدیکان مجرم از تحمل کیفر و تعقیب دستگاه قضایی در امان اند. قاعده وزر در حقوق اسلام و اصل شخصی بودن مجازات ها استثناهایی نیز دارد.

از منظر حقوقی، جرم عملی است که به جامعه، افراد، یا محیط زیست و سایر جانداران آسیب می رساند. بنابراین، اگر مجازات خود به فرد یا جامعه صدمه بزند، نه تنها هدف بازدارندگی و اصلاح را محقق نمی کند، بلکه خود عملی مجرمانه است. اصل شخصی بودن مجازات ایجاب می کند که مجازات تنها متوجه فرد مرتکب جرم باشد و به دیگران، از جمله خانواده یا نزدیکان او، تسری نیابد. همچنین، این اصل بر تناسب مجازات با جرم تأکید دارد و هرگونه مجازات

غیرضروری، غیرانسانی، یا فراتر از حکم قانونی را رد می‌کند.

ب: چرا جامعه باید به اجرای این اصل پایبند باشد؟

اجرای اصل شخصی بودن مجازات برای حفظ عدالت، کرامت انسانی، و نظم اجتماعی ضروری است. این اصل از آسیب به خانواده و در پی آن آسیب به تمام جامعه جلوگیری می‌کند و مانع از تبدیل نظام قضایی به ابزاری برای سرکوب یا انتقام‌جویی می‌شود. پایبندی به این اصل، اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت کرده و از چرخه خشونت و بی‌عدالتی در جامعه جلوگیری می‌کند. همه اعضای جامعه، از شهروندان عادی تا نهادهای حکومتی، موظف‌اند از اجرای این اصل حمایت کنند تا از تبدیل مجازات به ابزاری برای نقض حقوق بشر جلوگیری شود.

ج: وضعیت زندان‌ها در جمهوری اسلامی : ندامتگاه یا شکنجه‌گاه؟

جمهوری اسلامی زندان‌های خود را «ندامتگاه» می‌نامد و ادعا می‌کند که این اماکن با رویکرد «رافت اسلامی» به اصلاح و بازپروری زندانیان می‌پردازند. این اصطلاح با عناوینی مانند «مؤسسات تأدیبی» یا «مراکز اصلاح و بازپروری» در دیگر کشورها مانند ایالات متحده یا کشورهای اروپایی همخوانی دارد. با این حال، گزارش‌های مستند از سازمان‌های حقوق

بشری، زندانیان سابق، و فعالان مدنی نشان‌دهنده تناقض آشکار میان این ادعاها و واقعیت‌های موجود در زندان‌های ایران است. بازداشتگاه‌هایی مانند بندهای ۲۰۹، ۲الف، و الف یک قرارگاه ثارالله به دلیل شرایط غیرانسانی، شکنجه‌های جسمی و روانی، و سرکوب سیستماتیک دگراندیشان و دادخواهان، به جای مراکز بازپروری، به شکنجه‌گاه‌هایی برای حذف مخالفان سیاسی و عقیدتی تبدیل شده‌اند.

چالش‌های ساختاری و حقوقی در نظام زندانبانی ایران وضعیت زندان‌های ایران را می‌توان از سه منظر بررسی کرد:

۱: قوانین واپسگرا و نقض حقوق بشر:

بسیاری از قوانین کیفری در ایران، به‌ویژه احکام مبتنی بر شریعت، به دلیل ماهیت ایدئولوژیک و عدم انطباق با نیازهای روز جامعه، ناقض استانداردهای حقوق بشری هستند. این قوانین، که اغلب به عنوان «امر مقدس» توجیه می‌شوند، امکان اصلاح را از نظام قضایی سلب کرده‌اند. در یک نظام تئوکراتیک، تغییر قوانین تنها با دگرگونی بنیادین ساختار سیاسی ممکن است، زیرا قوانین موجود به عنوان احکام الهی، عملاً غیرقابل تغییر تلقی می‌شوند.

اجرای سلیقه‌ای و تبعیض‌آمیز قوانین:

حتی در مواردی که قوانین موجود امکان کاهش آسیب به زندانیان را فراهم می‌کنند، اجرای آنها اغلب سلیقه‌ای و مبتنی

بر مصلحت سیاسی است. قضات، با استناد به تفاسیر مبهم از احکام شرعی یا احادیث، احکامی صادر می‌کنند که گاه با متن قانون نیز مغایرت دارد. این رویکرد، عدالت قضایی را به ابزاری برای حفظ قدرت و حذف دگراندیشان تبدیل کرده است.

مجازات‌های فراقانونی و شکنجه‌های مضاعف:

بسیاری از زندانیان، علاوه بر تحمل احکام قضایی مانند حبس یا تبعید، با مجازات‌های غیرقانونی و فراقانونی مواجه می‌شوند. این موارد شامل تحقیر، خشونت فیزیکی و روانی توسط مأموران زندان، بازرسی‌های تحقیرآمیز، مصادره اموال شخصی زندانیان، و تنبیه‌های جمعی (مانند محرومیت از هواخوری به دلیل فعالیت‌های ساده مانند سرود خواندن) است. نمونه‌های دیگر شامل خودداری از تحویل پیکر اعدام‌شدگان به خانواده‌ها، تحمیل هزینه‌های غیرقانونی برای انتقال زندانیان تبعیدی (اخذ پول بلیط هواپیما از تبعیدی و در نهایت با خودروی سواری او را بیش از هزار کیلومتر تا تبعیدگاه بردن)، یا استفاده از ابزارهایی مانند دستبند و پابندهای آسیب‌رسان است.

مقایسه با نظام‌های اقتدارگرایی دیگر

اگرچه در کشورهای مانند عربستان سعودی یا مصر نیز گزارش‌هایی از شکنجه مخالفان سیاسی وجود دارد، نظام زندانبانی ایران به دلیل تمرکز شدید بر زندانیان عقیدتی (مانند

بهائیان، نوکیشان مسیحی، آتئیست‌ها، فعالان حقوق زنان، و اقلیت‌های قومی و جنسیتی) و استفاده از بازداشتگاه‌های فوق‌امنیتی تحت کنترل نهادهای غیرقضایی (مانند اطلاعات سپاه یا وزارت اطلاعات) متمایز است. فقدان نظارت مستقل بر زندان‌ها و نبود مکانیزم‌های پاسخگویی، این شرایط را تشدید کرده است.

د: آسیب‌شناسی و پیشگیری از وقوع جرم

البته ضروری است که تفاوت‌های بین مجازات و شکنجه را بدانیم تا از شکنجه و آسیب‌های فراوانش جلوگیری کنیم؛ اما ضروری و مهم‌تر از همه اصلاح و حتی دگرگونی ساختار است که نخستین گام برای رسیدن به این هدف "آسیب‌شناسی" است.

با خیلی کمتر از هزینه‌هایی که صرف بازداشت، بازجویی، بازپرسی، دادگاه و زندان می‌شود می‌توان از وقوع جرائم جلوگیری کرد.

همان‌طور که رئیس سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی اشاره کرده، بیش از ۷۰ درصد جرائم ریشه در فقر دارند*۱. فقر، شکاف طبقاتی، و مشکلات معیشتی از عوامل اصلی افزایش جرم در جوامع هستند. علاوه

بر این، نبود نظام آموزشی علمی و فراگیر، کمبود رسانه‌های آگاهی‌بخش، و ضعف در ترویج فرهنگ قانون‌مداری نیز به گسترش جرائم دامن می‌زنند.

عوامل ریشه‌ای جرم و راهکارهای پیشگیری:

فقر و نابرابری اقتصادی:

فقر نه تنها انگیزه ارتکاب جرائم مالی مانند سرقت را افزایش می‌دهد، بلکه با ایجاد احساس محرومیت، به جرائم خشونت‌آمیز نیز منجر می‌شود. برای پیشگیری، دولت‌ها باید سیاست‌های کاهش فقر، توزیع عادلانه ثروت، و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار را در اولویت قرار دهند.

آموزش و آگاهی‌بخشی:

نظام آموزشی باید بر مهارت‌های زندگی، تفکر انتقادی، و احترام به حقوق دیگران تمرکز کند. رسانه‌های آزاد و مسئول نیز با اطلاع‌رسانی شفاف و آموزش عمومی، می‌توانند از شکل‌گیری رفتارهای مجرمانه پیشگیری کنند.

اصلاح قوانین و ساختارهای قضایی:

قوانین کیفری باید با نیازهای روز جامعه هماهنگ شوند و از رویکردهای تنبیهی صرف به سمت اصلاح و بازپروری حرکت کنند. ایجاد مکانیزم‌های نظارتی مستقل بر اجرای قوانین نیز از سوءاستفاده‌های قضایی جلوگیری می‌کند.

حمایت اجتماعی و بازپروری:

برنامه‌های حمایتی برای گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند مشاوره روان‌شناختی، آموزش حرفه‌ای، و بازپروری پس از مجازات، می‌توانند از بازگشت افراد به چرخه جرم جلوگیری کنند.



۱*

جهانگیر: فقر علت ارتکاب 73 درصد جرایم است - تسنیم
<https://share.google/grg80cqTrta3KTela>

فقر و بیکاری مهم‌ترین عامل وقوع جرم در جامعه است
<https://share.google/GU2wP6X25VZj269ik>

جهانگیر: فقر علت ارتکاب ۷۳ درصد جرایم است

۱۰ خرداد ۱۳۹۷ - ۲۰:۲۲ | [اخبار اجتماعی](#) | [اخبار حقوقی و قضایی](#)



رئیس سازمان زندان‌ها گفت: بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، ۷۳ درصد زندانیان فقر، ۵۳ درصد دوستان ناباب و محیط ناامن، ۴۳ درصد بیسوادی و فقر فرهنگی و ۱۷ درصد نیز رفتارهای پرخطر را علت ارتکاب جرم اعلام کردند.

به گزارش خبرنگار قضایی خبرگزاری تسنیم، اصغر جهانگیر در بیستمین جشن گلریزان برای خانواده زندانیان نیازمند اظهارکرد: با زندانی شدن یک فرد خانواده وی از نظر اقتصادی و اجتماعی دچار مشکلات متعدد می‌شود.

شکنجه های مضاعف مثل آزار خانواده، عدم رعایت طرح طبقه بندی زندانیان / تفکیک جرائم : نمونه آزار خانواده:

<https://iranwire.com/fa/features/128939-%D9%82%D8%A7%D8%B6%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%D8%B4%D9%88%D9%87%D8%B1%D8%AA-%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%82%D8%A8%DA%AF%DB%8C%D8%B1-%D9%88-%D8%B5%DB%8C%D8%BA%D9%87-%D9%85%D9%86-%D8%B4%D9%88->

%D8%B3%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%A8-
%D8%A8%D8%A7-
%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%82-
%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A7%D8%B1%DB%8
C/

نمونه شکنجه های مضاعف :
خانمهایی که به دلیل مخالفت با حجاب اجباری بازداشت می شوند
...

متأسفانه این دسته از معترضین را که در دادگاه محاکمه می کنند علاوه بر اتهام‌هایی همچون فعالیت تبلیغی یا اجتماع و تبانی علیه نظام، بسته به مورد محکوم، به تظاهر به گناه و بی حجابی هم محکوم می کنند و در زندان در بند مفسد اخلاقی و منکراتی محبوس می کنند و آنها را از عنوان زندان سیاسی خارج می کنند، این هم از حیث آبرویی به ضرر زندانی هست و در کنار قوادهای و دلالان جنسی و ... محبوس می شوند و هم بقیه ی زندانی ها با تنفر با این عزیزان دادخواه برخورد می کنند و حاضر به تعامل با این بند نیستند و گاه با برخورد خشن بقیه ی زندانها هم مواجه می شوند هم فحاشی و هم کتک کاری (ضرب و شتم)....
و از طرفی در زندان به عنوان زندانی سیاسی آمارشون رد نمی شود و از تعداد آماري زندانیان سیاسی به اندازه ی زنان معترض کاسته می شود.

■

شکنجه های مضاعف علیه تبعید شدگان :

بعد از هشت سال حبس، بی اطلاع قبلی و بدون آمادگی از زندان گوهر دشت آوردنم برازجان، (بماند که قبلش از وکیل سه ملیون بابت بلیط هواپیما گرفتند و سروان رمضانی پول بلیط را بالا کشید و ما سه زندانی را با یک پژو قراضه تا برازجان آورد، نه ملیون فقط در یک انتقال خورد. ما تلفن نداشتیم روز قبلش از وکیل پول گرفته بود و من نمی دونستم) ساعت سه صبح رسیدیم برازجان، مرا تحویل کلانتری دادند و رفتند، مامور کلانتری گفت الان که نصف شبه، روز تو وقت اداری برو دادستانی و بعد کلانتری دژ ... الانم برو بیرون می خوام بخواهم! گفتم آخه من هیچ پولی ندارم، اینجا رو بلد نیستم، حداقل بگذار یک تلفن بزنم به خانوادم... گفت مشکل خودته برو بیرون می خوام بخواهم ... اومدم بیرون کلانتری هیچ انسانی در خیابان نبود، فقط چند سگ بی خانمان به استقبال آمدند... در شهر برازجان، هزار کیلومتر دور از زادگاه و خانواده ام، بدون پول و حتی تلفن برای تماس با خانواده حالا باید پس از هشت سال حبس و از دست دادن سرمایه، سلامتی و حتی همسر و فرزند با چالش هر روز به کلانتری رفتن و سکونت در شهر غریب بدون شغل و درآمد روبرو شوم...

چکیده:

اصل شخصی بودن مجازات، به عنوان یکی از ارکان عدالت کیفری، ایجاب می‌کند که مجازات‌ها متناسب، قانونی، و در راستای اصلاح و بازپروری باشند. با این حال، زندان‌ها در ایران به جای تحقق این اصل، به ابزاری برای سرکوب دگراندیشان و دادخواهان و تخریب قربانیان فقر و بی عدالتی تبدیل شده‌اند. برای اصلاح این وضعیت، علاوه بر بازنگری قوانین و ایجاد نظارت مستقل بر زندان‌ها، باید به پیشگیری از جرم از طریق رفع عوامل ریشه‌ای مانند فقر، نابرابری، و کمبود آموزش توجه شود. جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر، و همه شهروندان وظیفه دارند با مطالبه‌گری و آگاهی‌بخشی، از نقض حقوق بشر و تبدیل مجازات به شکنجه جلوگیری کنند.

پیشگیری اجتماعی از جرم، با تمرکز بر رفع عوامل ریشه‌ای مانند فقر، نابرابری، و کمبود آموزش، مکمل اصل شخصی بودن مجازات است. این رویکرد با کاهش انگیزه‌ها و فرصت‌های جرم، نیاز به مجازات‌های کیفری را به حداقل می‌رساند و از تبدیل زندان‌ها به ابزار سرکوب جلوگیری می‌کند. در ایران، اجرای پیشگیری اجتماعی نیازمند اصلاح قوانین، تقویت رسانه‌های آزاد، و ایجاد نظارت مستقل بر نظام قضایی است. جامعه مدنی، با مطالبه‌گری و مشارکت فعال، می‌تواند نقش کلیدی در تحقق این هدف ایفا کند. پیشگیری اجتماعی نه تنها عدالت را تقویت می‌کند، بلکه به ساخت

جامعه‌ای منسجم‌تر و عادلانه‌تر کمک می‌کند.

☆▪☆

سهیل عربی

از نوشته های قبلی در همین زمینه
شکنجه را با هیچ ترازویی نمی توان وزن کرد !

دو الف بد تر است یا ۲۰۹؟
وزارت (اطلاعات) بدتر است یا قرارگاه ثارالله (سپاه)؟
انفرادی های سپاه سخت تر است یا پلیس امنیت ؟
انفرادی و تنهایی بد تر است یا بند عمومی و همه و بوی مواد و
دعوا و هر روز هر روز تماشای اجباری مختار و جومونگ و
ستایش؟
اوین بد تر است یا گوهردشت؟
گوهردشت بدتر است یا تهران بزرگ ؟
بند قتل ها بدتر است یا شعبه ؟
تبعید بدتر است یا زندان؟
چهارمحالی زندانبان بدتری بود یا فرزادی؟
فرزادی بد تر است یا ضیایی ؟

پاسخ :

شکنجه را با هیچ ترازویی نمی توان وزن کرد !
برتری دادن به یک نوع شکنجه در مقایسه با دیگر انواع شکنجه و
برتری دادن به یک شکنجه گاه یا یک شکنجه گر در مقایسه با
شکنجه گاه یا شکنجه گری دیگر، ما را به بیراهه و گمراهی می
کشاند.

هر شکنجه ای آسیب های خاص خود را دارد،
اما برای هر مبارز و دادخواه ،آگاهی از تفاوت ها و شباهت های بین
اقسام و گوناگونی های شکنجه ها ضروری است، زیرا باید خود را
برای غلبه بر دشواری ها و زجر ها آماده کرد...
برای مثال در انفرادی و تنهایی باید مواظب حافظه و روحیه خود
باشیم، با ورزش کردن، با آواز خواندن، شعر خواندن ،کار کشیدن از
مغز و بدن باید خود را در طی روز خسته کنیم تا شب راحت
بخوابیم ،بی خوابی به ویژه در دوران انفرادی آسیب های شدیدی
به ما می رساند ،ورزش های در جا مثل طناب زدن بدون طناب، بازی
های فکری مثل مشاعره با خود. حتی مکالمه به زبان های خارجی
با خود ...

راهکار هایی است برای غلبه بر افکار منفی که در انفرادی بیشتر به
سراغمان می آیند.

در دوران بازجویی آگاهی از اندک حقوقی که متهم دارد و حفظ
خونسردی بسیار مهم است، اگر بازجو بداند که زندانی از حقوق
خود اطلاع دارد (معمولاً) کمی محتاط تر با او برخورد می
کند، باید وقتی سؤال پیچمان می کند یا کتک می زند به او بگوییم
که بازجویی تحت شکنجه و اکراه و جاهت قانونی ندارد ،وقتی

تهدید به آزار خانواده می کند نباید خودمان را بیازیم، به او یادآوری می کنیم در این ویرانه ما مردم همه مثل زنده به گور ها شده ایم، زنده نیستیم که از مرگ بترسیم، آزاد نیستیم که از زندان بترسیم، وقتی تصمیم به دادخواهی گرفتیم از عواقب تلاش برای رسیدن به عدالت و آزادی آگاه بودیم...

مشکلات زندانی با تغییرات و جابجایی هایی مثل انتقال از انفرادی به بند عمومی یا از زندان به تبعید تمام نمی شوند، بلکه فقط اشکال و انواع شکنجه ها و زجرهایمان تغییر می کنند، در انفرادی تنهایی و دوری از جهان و جامعه بیشتر به چشم می آید، در بند عمومی حسرت سکوت و آرامش ...

در بند عمومی یک اتاق با بیست تخت و بیش از چهل زندانی، باید منتظر بمانیم تا نوبت تخت گرفتنمان شود، شاید ماه ها کریدور خوابی و کف خوابی تا رسیدن به حق مسلم هر زندانی که دست کم یک تخت است فاصله باشد...

در دوران کریدور خوابی زندانی باید راس ساعت ده شب بخوابد و قبل از اذان صبح بیدار باش، در طول روز نمی تواند بخوابد، شب هم بارها با دمپایی های کثیف از روی دست و پایمان رد می شوند... هر روز دعوا، هر روز خودکشی یا اعدام شدن همبندی هایمان، بدرفتاری زندانبان، وکیل بند، ظلم، فساد و ...

در تبعید به ویژه برای کسی که تازه دوران زندانی بودنش تمام شده، پیدا کردن جایی برای استراحت، پول رفت و آمد به کلانتری، پیدا کردن شغل در شهر غریب، دوری از خانواده و ... در چنین لحظات سختی فقط مرور اهدافمان باعث می شود که بتوانیم رنجها را تحمل کنیم...

باید برای غلبه بر این زهر (شکنجه) پادزهری درست کنیم، بنا بر این
نخست باید زهر را بشناسیم:
شکنجه یعنی زجر دادن کسی به قصد وادار کردن او به انجام کاری
یا منصرف کردنش از انجام کاری.
برای مثال ، ما را زجر می دهند تا به آنچه می خواهند اعتراف
کنیم، هدفشان چیست؟
پرونده سازی و کسب درآمد از بازداشت یک فرد که می خواهند او
را خطرناک جلوه دهند، پس باید اتهام های سنگینی را به ما نسبت
دهند و ما هم اقرار کنیم!
یا شکنجه می کنند تا دیگران از دادخواهی بترسند، بگویند فلانی
که زندانی شد را ببینید چگونه نابود شد، پس حواستان را جمع
کنید!
...

پس باید بدانیم آنها می خواهند با ما چه کنند و چگونه می توانیم
از خودمان دفاع کنیم.
البته که انسانیم و توانمان محدود است، اما تاریخ نشان داده که
انسان اگر فعل خواستن را در خود صرف کند، توانش بیش از حد
تصور خواهد شد.
اولین گام مرور اهداف، و این پرسش که اگر مبارزه نمی کردم چه
می شد؟
فوقش این بود که من راحت زندگی می کردم، اما این رفاه فردی
هنگامی که اکثر هموعان من در رنج هستند چه ارزشی دارد؟
فرض که من بهترین خانه و خودرو را دارم، چه فایده که وقتی در
خیابان هستم کودکان کار را می بینم، تن فروشی، فقر، گرفتاری

مردم...

https://t.me/Soheil_Arabi645